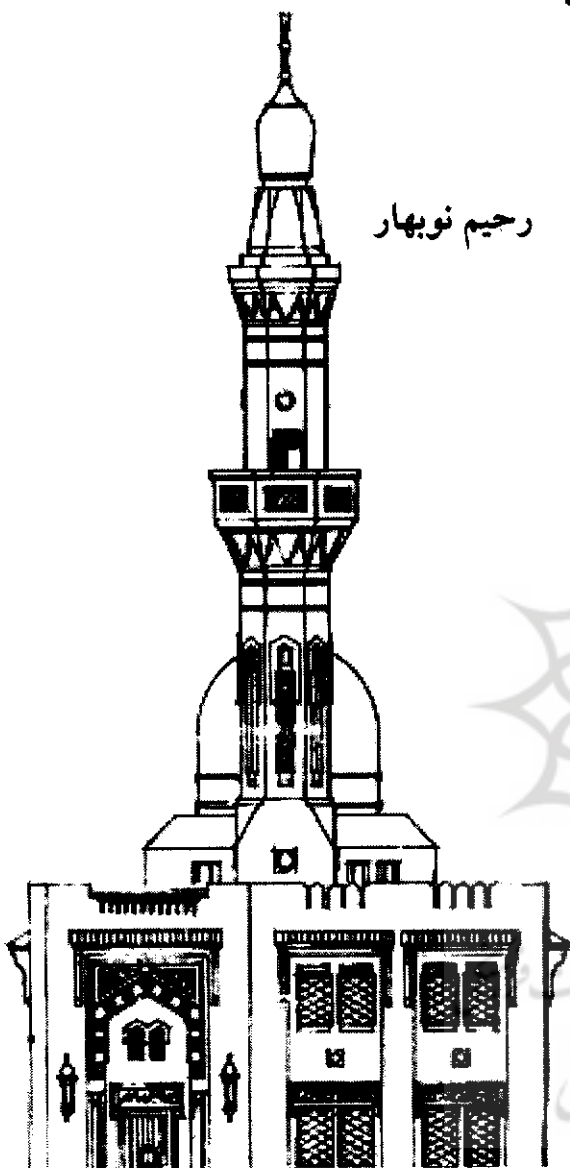


نقش نظام اسلامی در مدیریت مساجد

(قسمت دوم)

رحیم نوبهار



در بخش نخست این مقاله نویسنده به بررسی فقهی رابطه نظام اسلامی با مدیریت مساجد پرداخت و در ضمن بیان اهمیت مدیریت مساجد، نقش عامه مردم را در اداره امور مساجد مورد بررسی قرار داد. توجه به نقش بانی مسجد در اداره امور آن و نیز ادله جواز جعل تولیت برای مسجد، جایگاه حاکم اسلامی در اداره امور مساجد، عزل و نصب ائمه جماعات توسط حاکم اسلامی از دیگر مباحثی بود که نویسنده محترم به تبیین آنها همت گمارد و اینک بخش دوم مقاله تقدیم نظر خوانندگان می‌گردد.

میراث جاویدان

دخالت حاکم اسلامی در امور و عنصر «مصلحت»

پیش از ورود به اصل بحث تذکر این نکته ضروری است که حاکم اسلامی عهده‌دار هدایت جامعه به سوی رشد و فلاح و شکوفایی استعدادهای بالقوه و عظیم انسانی است. هدایت جامعه اسلامی به چنین سمت و سوی اقتضا می‌کند که حاکم و کارپردازان وی برای دخالت در هر شأنی از شؤون جامعه تنها به این نکته که

دخالت آنان دارای پشتوانه شرعی است، بسنده نکنند؛ بلکه در هر زمینه‌ای علاوه بر مراعات جنبه مشروعیت باید آثار پیدا و آشکار دخالت حاکمیت ارزیابی شود و سپس درباره اصل دخالت و چند و چون آن، تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

ما پس از گذشت دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی وارث تجربه‌های گرانقدری در عرصه اداره امور کشور بر پایه موازین اسلامی و عقلانی هستیم که هوشمندانه باید از این تجربه‌ها بهره ببریم.



حکومتها بنا شده است. این گونه مساجد دارای جنبه‌های هنری و تاریخی ارزشمندی است؛ ولی شمار آنها در مقایسه با مجموعه مساجدی که توسط مردم بنا شده، بسیار اندک است. در واقع، آنچه نیاز مردم نسبت به مساجد را تا اندازه‌ای بر طرف نموده، مساجدی است که با همت و تلاش خود آنان ساخته شده است.

آثار مردمی بودن ساخت و ساز مساجد

مردمی بودن ساخت و ساز مساجد پیامدهای ارزنده‌ای دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

کاهش بار مالی نظام اسلامی

مسجدسازی توسط مردم، در حقیقت به مثابه برداشتن بار مالی و اقتصادی آن از دوش نظام اسلامی است. به هر حال اگر خدای ناکرده مردم چنین رویکردی را در ارتباط با مسجد نداشته باشند، نظام اسلامی نمی‌تواند نسبت به تأمین یک نیاز مهم معنوی مردم یعنی ساخت و ساز مسجد بی تفاوت باشد؛ در چنین فرضی قطعاً بار مالی قابل توجهی بر دوش نظام خواهد افتاد.

امروزه جهتگیری همه نظام‌های حکومتی پذیرفته شده به سوی تشویق مداخله فعالانه مردم در کمک به دولت‌هاست. در کشور ما این روحیه از دیرباز وجود داشته و می‌توانیم چنین گرایش را از نظر کمی و کیفی بهبود بخشیم. در چنین شرایطی کدام عقل سلیم می‌پذیرد که مستقیم یا غیرمستقیم مسأله دولتی شدن ساخت و ساز مساجد را مطرح کنیم؟

سالهاست که دولت مصرانه انسانهای نیکوکار این مرز و بوم را به ساخت و ساز مدارس و تجهیز آنها دعوت می‌کند؛ و این در حالی است که بر پایه بند سوم از اصل سوم قانون اساسی فراهم آوردن امکانات تحصیل رایگان از وظایف دولت است. حال وقتی مردم بر پایه یک سنت حسنه و ریشه‌دار، مساجد مورد نیاز خود را خود می‌سازند، هیچ مصلحتی در تغییر دادن این وضعیت وجود ندارد.

به نظر نگارنده حتی سخن گفتن به گونه‌ای که این باور را در اذهان عمومی ایجاد نماید که مسجدسازی وظیفه دولت است در گرایش مردم به مسجدسازی تأثیر منفی دارد. بی‌گمان مسؤولیت حاکم شدن چنین ذهنیتی بر اندیشه مردم ما متوجه کسانی است که با سخنان ناسنجیده خود چنین فضای فکری را فراهم می‌کنند.

در بخش پیشین موارد جواز دخالت حاکم اسلامی در امور مربوط به مساجد بیان شد. نکته‌ای که به دقت باید مورد توجه قرار گیرد این است که مشروعیت دخالت حاکمیت اسلامی در یک زمینه، حتمیت آن دخالت را اثبات نمی‌کند. حاکم اسلامی شخصاً یا از طریق نهادهای مسؤول می‌تواند در عرصه اقتصاد، فرهنگ، سیاست داخلی و خارجی و دهها مقوله دیگر دخالت کند؛ ولی دخالت و چند و چون آن در هر زمینه‌ای باید براساس ارزیابی‌های صحیح و اطمینان از نتایج مثبت آن باشد.

برخی، دخالت دولت در عرصه اقتصاد را شدیداً زیانبار می‌دانند و گروهی آن را به مصلحت می‌بینند؛ ضمن این که هر دو گروه اصل مشروعیت دخالت دولت را پذیرفته‌اند. کسانی که از محدود بودن دخالت دولت در اقتصاد دفاع می‌کنند، نه بدان روست که دخالت دولت را نامشروع می‌دانند؛ بلکه معتقدند این دخالت‌ها موجب نابسامانی اوضاع اقتصادی می‌شود.

هدف از ذکر این نظیر و تشبیه، بیان این نکته است که برخی در اظهار نظرهای خود پیرامون دخالت نظام اسلامی در امور مساجد، صرفاً استناد به اینکه دخالت نظام اسلامی در امور مساجد مشروع و جایز است، آن را ترویج می‌کنند. آیا ما تا کنون کار تحقیقی-پژوهشی درخوری پیرامون بررسی مشکلات مساجد کشور و راه‌حل‌های رویارویی با آن انجام داده‌ایم؟ به راستی چند درصد از مشکلات مساجد کشور ما به عدم دخالت حاکمیت در امور مساجد مربوط است؟ ما باید آثار دخالت حاکمیت اسلامی را به مثابه یک پدیده جامعه‌شناختی مورد کنکاش و بررسی موشکافانه قرار دهیم و پس از نقادی‌ها به اطلاع مسؤولان نظام برسانیم. هرگونه اقدامی در این باره وقتی منطقی است که مطمئن باشیم شکوفایی و رونق مساجد را به دنبال خواهد داشت.

ما ضمن اذعان به اینکه چنین مباحثی نیاز به وقت و حوصله فراوان دارد در مباحث آینده سعی می‌کنیم به طور گذرا برخی از پیامدهای دخالت نظام اسلامی در مساجد را بررسی کنیم.

نظام اسلامی و ساخت و ساز مساجد

یکی از موهبت‌هایی که باید خدای را بر آن شاکر بود این است که ساخت و ساز مساجد در کشور ما عمدتاً مردمی است. در حال حاضر در کشور ما متجاوز از پنجاه هزار مسجد وجود دارد که توسط مردم ساخته شده است. مساجدی همچون مسجد گوهرشاد مشهد، مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان نیز هست که توسط

تجلی ابتکارات و خلاقیت‌های مردمی

مسجدسازی توسط مردم سبب می‌شود تا مردم هر دیار و منطقه‌ای ضمن رعایت اصل تناسب بنا با شرایط آب و هوایی و جغرافیایی، ابتکارات و خلاقیت‌های هنری خود را در عرصه ساخت و ساز مساجد متجلی کنند. یکی از تفاوت‌های کلیساها و مساجد از نقطه نظر معماری این است که ساخت کلیساها معمولاً کلیشه‌ای و به دستور پاپ و بر پایه نقشه‌ای از پیش تعیین شده است؛ حال آنکه مساجد در کشورهای اسلامی و حتی در شهرهای مختلف یک کشور از آن رو که بر پایه ذوق، سلیقه و ابتکار مردم همان دیار بنا شده، هر کدام دارای جنبه‌های معماری و هنری مخصوص به خود است.^{۵۷} مطالعه معماری و خلاقیت‌های به کار رفته در ساخت و ساز مساجد کشورهای اسلامی، عرصه‌ای برای کاوش‌های علمی محققان و پژوهشگران است.

اهتمام مردم به حفظ و نگهداری مساجد

بر پایه یک گرایش طبیعی که با سرشت انسان آمیخته است، آدمی ساخته دست خویش را دوست می‌دارد، بدان عشق می‌ورزد و در حفظ و حراست آن می‌کوشد. حکما بر آنند که این گرایش طبیعی مصداقی از یک قاعده عام و کلی است که علت، معلول خویش را دوست دارد و نوعی احساس پیوستگی با او دارد. هر گاه مردمی با زحمت و مرارت مسجدی را با دست خود بسازند به طور طبیعی آن را نگه می‌دارند در حالی که هر گاه مسجدی توسط یک نیروی دیگر برای آنان بنا شود، معلوم نیست که در حفظ و صیانت آن به طور جدی اهتمام بورزند.

اقدامات نظام اسلامی برای بهینه‌سازی مساجد

ذکر مزایای گذشته در ارتباط با مردمی بودن ساخت و ساز مساجد بدان معنا نیست که ساخت مساجد در کشور ما با مشکلی روبه‌رو نیست و نظام اسلامی باید آنچه را در حال وقوع است به حال خود رها کند. برعکس، نهادهای مسوول بویژه دستگاه‌های فرهنگی و روحانیت می‌توانند با انجام مطالعات دقیق و کارشناسانه نقضهای موجود را شناسایی کنند و از طریق وضع مقررات و بخشنامه‌های مفید زمینه‌ای به وجود آورند که اصل بهینه‌سازی در ساخت و ساز مساجد رعایت شود. مثلاً به هنگام اعطای پروانه ساخت مسجد، می‌توان وجود مهندسان ناظر را به مثابه یک شرط الزامی و جدی در نظر گرفت تا

استانداردهای ساخت و ساز بخوبی مراعات شود. همچنین می‌توان با مطالعات دقیق، بانیان نیکوکار مسجدساز را راهنمایی کرد تا در مکانهای مورد نیاز مسجد بسازند و از ساخت مسجد در مناطقی که احیاناً نیازی بدانها نیست جلوگیری شود.

عرصه دیگری که نظام اسلامی می‌تواند در آن باره رهنمود دهد، توجه دادن بانیان مساجد به پیش‌بینی هزینه‌های نگهداری مساجد است.

متأسفانه در کشور ما آن قدر که به ساختن مسجد توجه می‌شود به مسأله نگهداری مساجد و پیش‌بینی هزینه‌های آن توجه نمی‌شود. این در حالی است که مطالعه تاریخ گذشته مساجد کشور نشان می‌دهد که مسأله تأمین هزینه نگهداری مسجد به مراتب بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفته است. بانیان مساجد اهتمام داشتند تا از طریق سنت حسنة «وقف» درآمدی برای مساجد پیش‌بینی کنند تا مسجد، مستقل و آبرومندانه اداره شود.

علاوه بر وقف، ترویج وصیت نسبت به ثلث مال افراد برای تأمین نیازمندی‌های مساجد و نیز تبیین این نکته که مصرف کردن زکات اموال در ساخت و ساز مساجد بی‌آنکه نیاز به اذن مجتهد داشته باشد، جایز است؛ می‌تواند مایه بهبودی وضع مالی مساجد کشور شود.

نظام اسلامی و مدیریت مساجد

خوشبختانه در کشور ما مساجد توسط مردم ساخته می‌شود و توسط آنان نیز اداره می‌شود. به اعتقاد ما با وجود این شیوه مدیریت که محاسن فراوانی دارد، نیازی به دخالت گسترده نظام اسلامی در مدیریت مساجد نیست.

فواید مدیریت مردمی مساجد

۱. کاهش بار مالی نظام اسلامی

وقتی مردم خانه خدا را داوطلبانه و به عنوان عبادت اداره می‌کنند، چرا باید اداره آن را بر دوش مأموران رسمی نظام قرار داد، گروهی را از کار خیر باز داشت و بار مالی قابل توجهی را به نظام اسلامی تحمیل کرد. وجود کارکنان رسمی دولت در مساجد اقتضا می‌کند تشکیلاتی را هم برای رسیدگی به امور آنان و نظارت بر کار آنها ایجاد کرد و اینها همه ایجاد بار مالی است.

۲. شناخت بهتر مردم نسبت به مدیران شایسته

معمولاً مردم یک منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقه خود دارند، بهتر می‌توانند چند نفر را به عنوان هیأت امنای



البته چون کار مکتوبی که در این باره وجود دارد از چند استفتائی موجود در کتابهای فقهی فراتر نمی‌رود و حتی در رساله‌های توضیح المسائل موجود در دسترس مردم هم حقوق و تکالیف بانی و متولی مسجد تبیین نشده است، طبیعی است که چنین گمان‌هایی برای برخی از بانیان مساجد پیدا شود. به هر حال اگر نارسایی‌های موجود را با کار فکری و فرهنگی که باید صورت می‌گرفت، مقایسه کنیم انصاف خواهیم داد که وجود این ذهنیت‌ها طبیعی است.

ایجاد این فرهنگ که از نظر مقررات اسلامی، وظایف و تکالیف مربوط به مسجد همگانی است و حتی انتخاب هیأت امنای مساجد، شرعاً تکالیف مربوط به مسجد را از عهده همه مردم ساقط نمی‌کند، می‌تواند به گسترش حضور و نقش مردم در امور مساجد کمک کند و به مساجد گرمی و رونق ببخشد. همچنین باید برای هیأت امنای مساجد تبیین شود که نقش آنان سامان دادن حضور مردم و منظم کردن آن است و عملکرد آنان همواره باید مایه افزایش مشارکت مردم در اداره امور مساجد شود.

کمبودی که در برخی مساجد مشاهده می‌شود این است که گاه اداره‌کنندگان مسجد از سطح دانش و آگاهی لازم برای اداره امور مسجد برخوردار نیستند؛ در حالی که چه بسا جوانان و افراد دارای تحصیلات بالا در میان نمازگزاران مسجد وجود داشته باشند. نظام اسلامی و بویژه نهادهای تبلیغی و مسؤول کشور می‌توانند بر لزوم برخورداری مدیران مسجد از دانش و بینش لازم برای برخورد با قشرهای گوناگونی که در مسجد حضور می‌یابند تأکید نمایند؛ تا انتخاب انسان‌های شایسته برای اداره امور مساجد به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود.

به لحاظ جوان بودن جمعیت کشور ما وجود افرادی در میان مدیران مسجد که توان جذب جوانان به کانون مسجد را داشته باشند، ضروری است و البته استفاده از خودجوانان در اداره مسجد در کنار بهره‌وری از تجربه‌های بزرگسالان می‌تواند باعث سازندگی جوانان و رونق مسجد شود.

شیوه برخورد با متولیان مساجد

از جمله مسائل ظریف و حساس در زمینه مدیریت مساجد، شیوه برخورد با متولیان و ناظرانی است که توسط بانیان مساجد برای این کار انتخاب شده‌اند. در این باره نباید صرفاً با استناد به این رأی که تعیین متولی از سوی بانی مسجد دارای اعتبار شرعی نیست، به چنین متولیانی، بی‌اعتنایی شود.

مساجد برگزینند. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون هر گاه کار به مردم واگذار شده، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند؛ برعکس هر جا مردم حضور نداشتند، یا حضورشان کم‌رنگ بود، یا کاری صورت نگرفت یا کم و کند صورت گرفت. با چشم‌پوشی از پاره‌ای نقایص می‌توان گفت به فضل الهی در حال حاضر اداره امور مساجد کشور در دست انسانهای صالح است و به رغم وجود نواقص قابل اصلاح، مشکل عمده‌ای احساس نمی‌شود. هر چند می‌توان با کار فرهنگی مناسب توان این مدیریت‌ها را به چندین برابر افزایش داد.

۳. تنوع در مدیریت مردمی مساجد

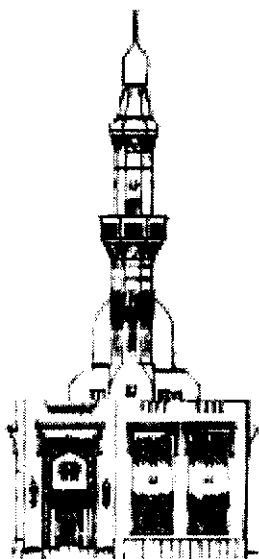
در جامعه ما همچون هر جامعه دیگری جریان‌های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی در مسجدی که نزدیک به محل کار و زندگیشان است، حضور می‌یابند. از این رو وجود مدیریت مردمی در مساجد خود به خود، باعث هماهنگی مدیران و کارپردازان مسجد با نمازگزاران است. حال آنکه انتخاب مدیر مسجد از سوی مرکز یا نهادی رسمی چه بسا به نوعی بی‌تناسبی میان مدیریت مسجد و نمازگزاران بینجامد و در نتیجه رکود و بی‌رونقی مسجد را به دنبال داشته باشد.

وجود مساجد با مدیریت‌های متنوع و مردمی سبب می‌شود تا چنانچه کسی به هر دلیل - از مدیریت مسجدی آزرده شود، در مسجدی دیگر حضور یابد؛ حال آنکه وجود مدیریت یک دست که لازمه طبیعی مدیریت متمرکز است، فضای فکری حاکم بر مساجد را یک دست و یکنواخت می‌سازد.

برخی از نواقص مدیریت مساجد و راههای از بین بردن آن

آنچه گفته شد بدین معنا نیست که مدیریت مساجد کشور ما بی‌عیب و نقص است؛ در این زمینه نواقصی نیز وجود دارد که نظام اسلامی می‌تواند با فرهنگ‌سازی مناسب در راستای برطرف کردن آنها گام بردارد.

یکی از کاستی‌های مساجد آن است که برخی از بانیان مساجد نسبت به دایره اختیارانشان آشنا نیستند. بندرت بانیانی وجود دارند که گمان می‌کنند مکانی که توسط آنان به مسجد تبدیل شده، همچون پیش از مسجد شدن، ملک شخصی آنهاست و آنها مجازند هرگونه که بخواهند در امور آن دخالت کنند و حتی امام جماعت مسجد باید تابع محض آنان باشد.



دارای محاسنی است که به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم:

آثار مثبت گزینش ائمه جماعات از سوی مردم

۱. مقبولیت امام جمعه

با مطالعه پیرامون کارکردهای مسجد در ابعاد گوناگون روشن می‌شود که ایفای درست این نقشها در درجه اول مرهون امام جماعتی شایسته و کارآمد است. امام جماعت برای ایفای نقش خود افزون بر برخورداری از شرط عدالت و ادای صحیح قرائت نماز باید در میان نمازگزاران خود دارای مقبولیت عمومی باشد پیوند عاطفی عمیقی با نمازگزاران مسجد داشته باشد تا بتواند از جنبه‌های عبادی، تربیتی، آموزشی و... با آنان تعامل مثبت و سازنده داشته باشد. پیشوایان دین به گونه‌ای تأکید آمیز بر لزوم برخورداری امام جماعت از این ویژگی اصرار ورزیده‌اند. در حدیثی پیامبر (ص) فرموده است که:

«خداوند نماز هشت گروه را نمی‌پذیرد: بنده‌ای که از مولای خود فرار کند؛ زنی که از فرمان همسر خویش سرپیچی کند و مایه خشم و ناراحتی او شود؛ کسی که از پرداختن زکات خودداری می‌کند؛ و امام جماعتی که نمازگزاران به امامت او راضی نیستند...»^{۵۸}

در حدیثی دیگر، امام جماعتی که نمازگزاران نسبت به امامت او خرسند نیستند، در ردیف پیشوای ستمگر قرار گرفته است.^{۵۹}

از نظر فقیهان هر گاه دو نفر برای تصدی امامت جماعت منازعه کنند، کسی که مأمومین او را برگزینند مطلقاً بر دیگری ترجیح دارد.^{۶۰} بیشتر نیز در ماجرای منازعه میان معاذ و تمیم گذشت که تمیم آن گاه که خواست امام جماعت مردم در مسجد قبا شود از آنان اذن گرفت.^{۶۱}

ما نباید تنها با استناد به اینکه عدم رضایت نمازگزاران نسبت به امام، از نظر فقیهان مکروه است، این مسأله را کم‌اهمیت بشماریم. واقعاً بدون وجود یک رابطه عاطفی و دوستانه میان امام جماعت و نمازگزاران، مسجد از ایفای نقش خود در ابعاد گوناگون عاجز است.

واگذار کردن انتخاب امام جماعت مساجد به مردمی که مجاور و همسایه مسجد هستند، سبب می‌شود تا مردم کسی را که واقعاً دوست دارند به امام جماعت برگزینند. ضمن اینکه معمولاً شناخت مردم به دلیل ارتباط نزدیک با افراد، واقعی‌تر و در صد خطای آن از نهاد یا مرکزی که بخواهد در این باره تصمیم بگیرد، کمتر است. این امر همچنین نظام اسلامی را از وجود مرکزی که بخواهد در این باره تصمیم‌گیری کند، بی‌نیاز می‌سازد.

الف. از کلمات شماری از فقیهان - که پیشتر به برخی از آنها اشاره شد - چنین برداشت می‌شود که هر گاه این گونه متولیان اخلاقی به امر مسجد وارد نکنند، تصرفات آنها معتبر است. حتی برخی از فقیهان نامدار همچون صاحب جواهر بر این باورند که اذن گرفتن از ناظر خاص مسجد یعنی ناظری که از سوی بانی مسجد تعیین شده، در مواردی لازم است. به هر حال تردیدی نیست که تحصیل رضایت متولی و ناظری که در محدوده موازین شرعی عمل می‌کند، دست کم موافق با احتیاط است.^{۵۸}

ب. مقتضای مصلحت‌اندیشی آن است که ما به تصمیمات این گونه متولیان تا آنجا که در امر اداره مسجد تباهی و اخلاص به وجود نمی‌آید، احترام بگذاریم. مردم در زمینه وقف، دوست دارند برخی تمایلات و گرایش‌های شخصی خود را نیز اعمال کنند. همین گرایش در پیدایش نهاد وقف در جوامع بشری بسیار مؤثر بوده است. نباید همه این گرایشها را به حساب جاه‌طلبی و خودخواهی گذاشت. به طور طبیعی کسی که چیزی را وقف می‌نماید یا مسجدی می‌سازد چه بسا دوست دارد اداره امور آن را نیز شخصاً یا از طریق تعیین کسانی به عنوان متولی یا ناظر در اختیار داشته باشد. حال هر گاه خود بانی یا شخصی که تعیین نموده، بخوبی و در چارچوب مقررات شرعی مسجد را اداره می‌کند، چه انگیزه‌ای وجود دارد که چنین مدیریتی را با استناد به اینکه جعل تولیت از سوی بانی و واقف شرعاً بی‌تأثیر است، از میان برداریم.

چنین مدیریتی در فرض یادشده نوعی مدیریت داوطلبانه و همراه با دل‌سوزی و خیرخواهی است؛ زیرا به‌طور طبیعی کسی که مسجدی را بنا نهاده، برای رونق و شکوفایی آن نیز تلاش می‌کند. مگر آنکه متولی فردی ناصالح و یا دارای سلیقه و ذوق خوبی در امر مدیریت نباشد و با سوءتدبیر خود مسجد را به سوی تباهی یا رکود و بی‌رونقی بکشانند یا برخلاف موازین شرعی رفتار نمایند که در این فرض حاکم اسلامی و حتی مؤمنان عادل می‌توانند مانع اعمال مدیریت او شوند.

چنانچه پیشتر اشاره شد با آموزشهای لازم به مدیرانی که اختیارات فراوانی برای خود قائلند می‌توانیم ذهنیت آنان را اصلاح نماییم، تا آنان به دیگران نیز فرصت لازم را برای خدمت به خانه خدا بدهند.

نظام اسلامی و عزل و نصب ائمه جماعات مساجد

یکی از جلوه‌های ارزشمند مردمی بودن مساجد کشور ما، تعیین ائمه جماعات از سوی مردم است. این پدیده

۵۸. برخی از فقیهان در خصوص ساختن مساجد و تعمیرات آن احتیاط را در این دانسته‌اند که با نظر متولی عمل شود. رک: مجمع المسائل، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۵۳. ۵۹. وسایل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، باب ۲۷ از ابواب صلاة الجماعة، روایت ۱. ۶۰. همان، روایت ۳.

۶۱. محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «و اذا تشاح الائمة فمن قدمه المأمون فهو أولى» (سلسلة التناهی الفقہیة، ج ۲، ص ۸۲) و علامه حلی در قواعد می‌فرماید: «و من قدمه المأمون مع التشاح... اولی من غیرهم». (همان، ص ۹۳) ۶۲. تاریخ المدینة المنورة، عمر بن شبة، ج ۱، ص ۲۵.

۲. گسترش دامنه ارتباط مردم با روحانیت

واقعیت این است که سازمان روحانیت در کشور ما دارای سلیقه‌ها و گرایشهای گوناگون فکری است، که هر کدام در جامعه دارای طرفدارانی است. وجود گرایشهای مختلف تا آنجا که به مصالح عالیة اسلام و نظام اسلامی ضربه‌ای وارد ننماید، نه تنها مضر نیست بلکه می‌تواند بستری برای دستیابی به حقایق نیز باشد.

طبیعی است هرگاه گزینش امامان جماعت مساجد همچنان که تا کنون به عهده خود مردم بوده، در آینده نیز بر عهده آنان باشد، روحانیت با همان گنجایش و ظرفیت واقعی‌اش به مردم عرضه شده است. در این صورت اگر کسی احساس کند با صاحب سلیقه‌ای مشکلی دارد، روحانی دیگری را برمی‌گزیند که به سلیقه و افکار او علاقه‌مند است. در این صورت دامنه ارتباط زنده و فعال مردم با روحانیت گسترده‌تر خواهد بود. اما عرضه نمودن فکر و اندیشه‌ای واحد از سوی روحانیت که لازمه طبیعی مدیریت متمرکز است، گسترده پیوند مردم با روحانیت را محدود می‌سازد و بدین سان جوانان و افراد سرخورده چه بسا جذب جریان‌هایی شوند که به کلی با اسلام همسویی ندارند.

۳. استقلال ائمه جماعات و امر به معروف و نهی از منکر

بی‌گمان یکی از پایگاه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده از برنامه‌های حاکمیت در نظام اسلامی، مساجد است. در نظام اسلامی مردم همان‌گونه که در برابر یکدیگر مسؤول و موظف به امر به معروف و نهی از منکرند، در ارتباط با نظام اسلامی نیز وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را بر دوش دارند. مردم باید ضمن حمایت از نظام اسلامی برنامه‌های بخش‌های گوناگون حاکمیت را منصفانه و دلسوزانه نقادی کنند و ضعف‌ها، کاستی‌ها و یا خدای ناکرده انحرافات را در چارچوب موازین اسلامی به مسؤولان گوشزد کنند.

مساجد مستقل از حاکمیت که امامان جماعت آن از سوی مردم گزینش شده باشد، می‌توانند این مهم را بخوبی انجام دهند. در حالی که هرگاه ائمه جماعات از سوی حاکمیت نصب شوند، به طور طبیعی ایفای این نقش، به سستی می‌گراید. معمولاً کسی که از سوی دیگری منصوب می‌شود به گونه‌ای سازمان‌یافته موظف می‌شود برنامه‌های مافوق را تأیید کند.

از طرف دیگر بر پایه یک گرایش طبیعی انسان در نصب زیردستان خود، افراد هماهنگ با خود را برمی‌گزیند؛ در نتیجه، اصل انتقاد سازنده در میان عناصر یک تشکیلات بویژه انتقاد افراد زیردست از مافوق کم‌رنگ است.

به هر رو برخورداری مساجد از امامان جماعت مستقل، شجاع، دلسوز و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی در نهایت مایه استحکام و استواری بیشتر نظام اسلامی است.

۴. ارزش و اعتبار پشتیبانی امامان جماعت مستقل، از نظام اسلامی

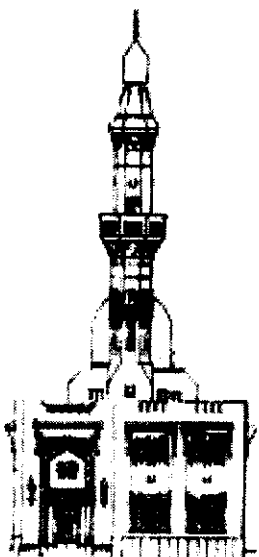
نظام اسلامی در عرصه‌های گوناگون به پشتیبانی مؤمنان و دین‌باوران جامعه نیازمند است. پشتیبانی نمازگزاران مساجد و امامان جماعت مردمی از نظام اسلامی یک پشتیبانی واقعی و ارزشمند است. هیچ فرد منصفی نمی‌تواند حمایت این گونه افراد را به حمایت‌های کلیشه‌ای و فرمایشی تفسیر کند. وقتی امامان جماعت مساجدی که از سوی خود مردم گزینش شده‌اند به همراه نمازگزاران مسجد اعلام حمایت و پشتیبانی از نظام و برنامه‌های آن می‌کنند، در حقیقت یک حمایت صد در صد مردمی تحقق یافته است.

حال آنکه در صورت نصب ائمه جماعات مساجد از سوی حاکمیت، به طور طبیعی این ذهنیت پدید می‌آید که بخشی از حاکمیت، بخش دیگر آن را تأیید می‌کند. یعنی در حقیقت با انتصابی بودن ائمه جماعات مساجد، هم نقش بازدارندگی آن را از بین می‌رود و هم نقش حمایتی آن کم‌رنگ و بی‌اثر می‌شود.

استقلال روحانیت شیعی از حکومت‌ها امتیازی بوده است که ما سال‌ها بدان بالیده‌ایم. اکنون روا نیست که با استناد به تحلیلهای سطحی و لحاظ مصالح مقطعی و گذرا این افتخار و شرف را به دست خویش قربانی کنیم. البته همان‌گونه که گذشت، هرگاه مردم در انتخاب امام جماعتی دچار اشتباه شوند و به دلیل عدم آگاهی، فرد ناصالح و غیر واجد شرایطی را برگزینند یا با مشورت آنان کسی را به امامت مسجد برگزینند، نظام اسلامی می‌تواند به طور منطقی و متین این مشکل را حل کند و حتی در صورت لزوم، وی را عزل و مردم را وادار کند تا دیگری را برگزینند یا با مشورت آنان کسی را به امامت مسجد برگزینند.

چنانچه پیشتر اشاره شد برخی از فقهای اهل سنت نیز همچون قاضی ابویعلی و ماوردی و نیز مورخ و جامعه‌شناس شهیر، ابن خلدون در تشریح رابطه حکومت با مساجد، مساجد را به مساجد مهم و غیر مهم تقسیم کرده‌اند. آنان ضمن شناسایی حق حکومت در زمینه مداخله در مساجد مهم، دخالت حکومت در امور مساجد محلات و کوچه و بازار را نفی کرده‌اند.

به نظر می‌رسد چنین ابزار نظرهایی بیش از آنکه رنگ و بوی فقهی داشته باشد، رنگ و بوی جامعه‌شناسانه دارد.



چنین نویسندگانی با ابزار این گونه نظریات در واقع خواسته‌اند هم نظارت حکومت بر مساجد مهم و حساس حفظ شود و هم اداره امور مساجد در دست مردم باشد و در حقیقت کار مردم به مردم سپرده شود.

این نکته به راستی جای تأمل و اندیشه دارد که چرا فقیهانی همچون ابویعلی، ماوردی و محققى مانند ابن‌خلدون که نگاهشان به مسائل فقهی از دریچه فقه حکومتی بوده است، درباره سرپرستی امور مساجد این گونه ابراز نظر می‌کنند و حکومتی شدن مساجد را به مصلحت نمی‌بینند؟ آیا ما که اکنون دوران آغازین همزیستی فقه با حکومت را تجربه می‌کنیم نباید در این باره، محتاطانه عمل کنیم؟

استقلال حوزه‌های علمیه و تعیین ائمه جماعات مساجد از سوی نظام

در کشور ما به هنگام بحث از اینکه آیا گزینش ائمه جماعات از سوی مردم اصلح است یا نصب آنان از طرف حاکمیت، نمی‌توان از مبحث استقلال حوزه‌های علمیه غافل ماند.

در حال حاضر قضاوت می‌شوند که نظام آنان را گزینش نماید و البته این رویه‌ای صحیح و منطقی است؛ چه نمی‌توان هر روحانی را صالح برای امر قضاوت شمرد.^{۶۳} حال اگر در عرصه تبلیغ و تصدی امامت جماعت مساجد هم، چنین پدیده‌ای رخ دهد، به اعتقاد نگارنده به طور طبیعی فاصله‌ای میان حوزه‌های علمیه و نظام ایجاد می‌شود. یعنی در حقیقت این احساس برای حوزویان پدید می‌آید که محصولات حوزه به طور گزینشی مورد استفاده و بهره‌برداری حاکمیت قرار می‌گیرند. با این کار در حقیقت، دامنه عمل فرهنگی و اجتماعی - سیاسی حوزه محدود می‌شود و اعمال سلیقه و رأی حوزویان در عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی کشور تضعیف می‌شود و خدای ناکرده بتدریج نوعی تقسیم‌بندی با عنوان روحانیون حکومتی و روحانیون جدای از حکومت به وجود می‌آید که در واقع نوعی تجزیه و تفرقه در سازمان روحانیت کشور است. این در حالی است که روحانیت کشور تا کنون به دلیل یکپارچگی در مواضع اصولی و اتکا به پشتوانه مردمی خود توانسته است از انقلاب اسلامی پاسداری کند.

در حال حاضر هر چند بسیاری از مساجد کشور ما بویژه مساجد مناطق دوردست از نداشتن روحانی و امام جماعت رنج می‌برند ولی در کنار آن حضور روحانیون در فصلهای تبلیغی همچون ماه‌های مبارک رمضان و محرم و صفر، نوعی رابطه زنده و نسبتاً پویا میان حوزه‌های علمیه

و مردم ایجاد کرده است. حال اگر همه ائمه جماعات مساجد کشور یا اکثریت آنها از سوی حاکمیت، منصوب شوند، ضمن اینکه جنبه شغل و حرفه بودن امامت جماعت تقویت می‌شود، به طور طبیعی دامنه ارتباط حوزه‌های علمیه با مردم کاهش می‌یابد.

ملاحظه ریشه دار بودن پیوند مردم با روحانیت، مرجعیت و حوزه‌های علمیه و آثار فرخنده این ارتباط ایجاب می‌کند که ما این پیوند را زنده‌تر و پویاتر کنیم. تماس نزدیک و ملموس حوزه‌های علمیه با جامعه و مسائلی که مردم با آن دست به گریبانند، مایه تحولات سازنده‌ای در فکر و عمل حوزویان است. به هر حال هرگاه به حول و قوه الهی جمهوری اسلامی ایران بخواهد تا ظهور صاحب اصلی آن استمرار یابد، این دست‌پرورده‌های حوزه هستند که هدایت فکری ارکان نظام را در کنار هدایت فکری مردم برعهده دارند. بنابراین هر قدر که نظام اسلامی دامنه عمل حوزویان را در ارتباط با مردم گسترش دهد، در واقع پایه‌های خویش را استوارتر ساخته است.

نتیجه

اگر بخواهیم آنچه را تا کنون گفته شد در چند جمله خلاصه کنیم باید بگوییم:

هر چند دخالت نظام اسلامی اعم از دخالت مستقیم رهبری نظام یا دیگر نهادهای قانونی در پاره‌ای از امور مساجد، شرعی است ولی این دخالت‌ها باید به گونه‌ای باشد که در نهایت رشد و شکوفایی مساجد را به دنبال داشته باشد. از این رو برای دخالت نظام در امور مساجد همچون هر زمینه دیگری نباید تنها به مشروعیت این دخالت استناد کرد؛ بلکه باید با ارزیابی‌های صحیح از نتایج مثبت کار، مطمئن بود.

در شرایط کنونی در کشور ما ساخت و ساز مساجد، اداره امور مساجد و تعیین امامت جماعت برای مساجد عمدتاً مردمی است. این شیوه، بهترین نوع اداره امور مساجد است که باید برای حفظ و بهبود آن تلاش کرد. دخالت گسترده نظام اسلامی در مساجد برای مردمی که سالها روحانیت شیعه و پایگاه‌های آن یعنی مساجد را مردمی دانسته و آن را به حق یک افتخار شمرده‌اند، نه تنها لزومی ندارد که به مصلحت نیست. در کشوری که هنوز روزنامه‌های آن خبر دولتی شدن مساجد برخی از کشورهای مسلمان‌نشین را روی کردی خودکامانه و تجاوز به حقوق مردم تلقی می‌کنند، و مهم‌تر از این، مساجد آن از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون همراه و همپای انقلاب و نظام بوده است، چه ضرورتی برای

۶۳ البته حتی در این عرصه نیز می‌توان بنا گذارش فرهنگ داری و حکمیت در میان مردم بسیاری از پرونده‌ها، بویژه پرونده‌های حقوقی را به روحانیونی که قاضی رسمی نیستند، سپرد تا ضمن همیق پیوند روحانیت با مردم، از حجم پرونده‌های قضایی کاسته شود.

حکومتی کردن مساجد وجود دارد؟

ضعفها و کاستیهایی که در عرصه ساخت و ساز و مدیریت مساجد کشور ما وجود دارد به گونه‌ای است که

با فرهنگ‌سازی مناسب و کار تبلیغی و آموزشی ظریف و حساب شده، کاملاً قابل رفع شدن است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الاحکام السلطانیة، علی بن محمد بن حبیب بصری بغدادی ماوردی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.
۳. ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلی (فخرالمحققین)، علمیه، قم، ج ۱، ۱۳۸۹ ه.ق.
۴. البیع، شیخ مرتضی انصاری، چاپ سنگی، تبریز، ج ۲، ۱۳۷۵ ه.ق.
۵. تاریخ المدینة المنورة، عمر بن شبة، دارالفکر، قم، ج ۲، بی تا.
۶. تحریر الوسیله، سیدروح الله موسوی خمینی، دارالعلم، قم، ج ۲، بی تا.
۷. نجف العقول، حسن بن علی بن حسین بن شیعہ حرانی، اسلامیة، تهران، ۱۴۰۲ ه.ق.
۸. التفتیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۹، سیدابوالقاسم موسوی خویی، مطبعة الاداب، نجف اشرف، ۱۴۰۹ ه.ق.
۹. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۷.
۱۰. رسالة فی صلاة الجمعة، زین الدین بن علی بن جبلی عاملی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۱. سلسله الینابیع الفقهیة، تنظیم: علی اصغر مروارید، ج ۳، ۱۲ و ۱۳، ج ۱، الدار الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۲. السیرة النبویة، ابن هشام، دارالقلم، بیروت، بی تا.
۱۳. شرایع الاسلام، نجس الدین جعفر بن حسن (محقق حلی)، اسماعیلیان، قم، ج ۲، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۴. العروة الوثقی، سیدمحمد کاظم طباطبایی، داوری، قم، ۱۴۰۰ ه.ق.
۱۵. العروة الوثقی، ج ۲ و ۳ (ملحقات)، سیدمحمد کاظم طباطبایی، داوری، قم، ۱۳۷۸ ه.ق.
۱۶. القواعد الفقهیة، سیدحسن موسوی بجنوردی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۷. کتاب البیع، سیدروح الله موسوی خمینی، اسماعیلیان، قم.
۱۸. کشف الغطاء، شیخ جعفر جناحی حلی، چاپ سنگی، بی تا.
۱۹. المساجد، حسین مونس، المجلس الوطنی للثقافة والفنون و الاداب، کویت، ۱۴۰۱ ه.ق.
۲۰. المغنی، ابن قدامة حنبلی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۹۲ ه.ق.
۲۱. مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه، سیدمحمد بن حسینی عاملی، ج ۹، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۲. مناهج المتقین، عبدالله مامقانی، چاپ سنگی، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۳. وسایل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، اسلامیة، تهران، ج ۶، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۴. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، مؤلف، قم، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ ه.ق.
۲۵. مجمع المسائل، سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی، دارالقرآن الکریم، ج ۳، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۶. مغازی، محمد بن عمر واقدی، ترجمه محمود مهدوی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ج ۲، ۱۳۶۹ ه.ق.
۲۷. مقدمة ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۲ ه.ش.
۲۸. ولایت فقیه، محمد هادی معرفت، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ج ۱، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

